arrive

جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب ۲۰۷۴۶

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

کتاب مجموعه رسائل طبی

مؤلف

مترجم

شمارهٔ قفسه ۱۶۳۰۴

از نسخه‌جات انتخاب شده حکماء ماضی مسوده شد

بجهت تقصا گوشت لثه جو بریان کشنیز بریان مغز بادام بریان فوفل بر دغن گاو
بریان کرده مروارید زیره جمله برابر سوده و بیخته هر شب بر بیخ دندان ها پاشند
سنون از مجربات است خلاصه است بجهت دفع وجع گوش که تیر کشد و بدبو
کوبند و نفاس کوشک مانند اولا که مطلع شده نه سخن با لطفه در گوش خزر
کند تا یا انکه قدری پول در ظرفی که قدری سیر ش بر رو ریزند و بر سر آتش نهند
تا بجوش آید آنگاه گرم بر گوشک بنهند نرمی سر کنند و اصلاح آید مجرب از اصلاح است
بجهت صفا خون کشنیز بادر و خو تخم کسنی حب بسازند بقدر فلفل
صبح و شام بخورند جهة جرح بیعدیل است از مجربات بوعلی
بجهت خارش بدن آب برگ همیشه بهار را با حنا طلا نمایند بیتور از موده حکیم بوعلی
بجهت سنگ گرده و مثانه خون بز نر چهار ساله که در فصل اول زمستان انگور فرح نموده
خون اول و آخر او را بگیرند و خون وسط او را در ظرف سنگ بگیرند بعد از بسته شدن ریزه کرده بگذارند

و بردی کاه و خراب در سایه خشک نمایند او را بدانه نامند در یکمثقال سنگ
گرده و مثانه را بیعدیل است از حکیم بوعلی بجهت سرسام پوست سر بز
که بکری فرج او را بر سر صاحب سرسام و خلط دهی رقابت مفید و از حکیم...
بجهت شقاق لب دلیز زنبهای بارده و رغشه جریان و کذار داعیا
مصفکی با روغن زیتون طلا کنند بیعدیل است از مجربات حکیم بوعلی
بجهت ثالیل و فوه بای بالیر طلای هرماب کباب نبش ز عبارت
از جار سفید باشد بخصوص بره یکساله و بی نمک باشد بیعدیل است از مجربات
حکیم بوعلی است بجهت قطع رعاف و جمع نزف الذی پر بطیور و جوجه سفید
و بزرک و مجوف شده جدا کرده بسوزانند و بشویند و خشک کنند
و نقوح او بجهت قطع رعافیکه از هیچ چیز منقطع نشود از موده است و در جمع نزف
الدم بیعدیل است از مجربات حکیم بوعلی است بجهت سوختن آتش کام زبان

و قرقره را با نوشادر طلا نمایند بر کام و زبان آتش سوزانده و از غراب ابراهیم
بجهت درد ورک و عرق النسا نشستن در طبخ کفتار و روباه و طلا ...
و سبیله و پلکه هر هد و بچه کرک و کلسح در صحرا میدود و پرپهن دارد و دم دراز دارد
و ضفدع نر و بجره نشستن در طبخ او مجرب است از صاحب ضدهر و اکر هر سه از اینها
جمع کنند انفع آید و گفته اند هر گاه مریض با این علاجها موثر نیفتد هر روز
یکدرم یا یکمثقال نفط سفید با شربت کاسنی بخورد رحمت یابد از فضل الله
بجهت جبر کسر اعضا جرب و حکه و در دیدن گوشت زخمهای کلس البیض در روز
نمایند و ضماد نمایند مجرب است و بجهت حبس خون جراحات قوی تر از سابر اکلاک است
و بجهت رویانیدن موی داء الثعلب و داء الحیه کندش با هم وزن آن
زرنیخ و روغن زیتون ضماد نمایند رفع علت کند و مجرب است در اخر بسم کرم
و خشک بجهت برفه پیه کوسفند را با روغن بادام و جمع عربیه جنید زوعدادمت
نمایند رفع علت میکند و مجرب است بجهت تلخیص حل زبان ...

بر روی حمل بدوشند حمل نمیرد و یا در زیر او باند ان زن بدختر حامله
خواهد بود و عکس ان به پسر از مجربات است بجهت رعاف
بر محل لسان العصافیر را با زعفران و عسل بعد از طهر فرزجه نمایند
مجرب است در اخر دوم گرم و خشک است بجهت برص شیره بادام را
با شکر میل نمایند مجرب است بجهت سرفه بادام را با نصف او زفت
و مثل شکر در قطع سرفه از مجربات است در اول گرم است الصبا (?)
بادام بجهت سرفه خشک با کتیرا و شکر مجرب است قدر شربتش تا نه مثقال است
ایضا در دوم معتدل مجرب است واهکه در واهک اگر ریخته باشند
هرچه بالای اب اهک طبخ نمایند ده است کشنده است در اندک زمانی
و از اسرار است مکتوم است بجهت حفظ جنین از اسقاط و دفع کرمانی
تعلیق کهربا مجرب است در گرمی معتدل در دوم خشک است مفاصل و بادها
نقرس و اورام حار تخم کاهو را با سفیداب قلعی طلا نمایند رفع علت کند
مجرب است

مجرب است قطور شیر گاو در چشم و طلای او جهت اکثر امراض چشم نافع حتی با تونی (?)
العلاج است از مداومت او صحت یابد و از خواص شیره بادیان است
هر ساله که قلیلا از و با طفلی دهند دران سال ابله بر نیاورند و دکر
برادرند زیاده بر چند مره نباشد و از مجربات است
بجهت قطع حمی ثقل لک را در استسقاء از کران رموز باشد شربتش دفع علت کند
و مجرب است قدر شربتش یک مثقال است در دوم گرم در سیم خشک است
بجهت بواسیر ظاهر و باطن محمد ابن احمد گوید شیخ لوف تار نماید قبل گوش تا مینماید (?)
یا ارد گندم و روغن کنجد و نمک و خمیر مایه نان کرده هر روز مثقال تناول نمایند
رفع علت کند مجرب است در اخر دوم خشک است بجهت شیرین شدن
اب شور صد یک اب شور که داخل نمود و مخلوط نمودن او با گل و خاک پاک کرده
عرق کشیدن در این صورت جمع ابهای شور شیرین منقی مجرب است
هر گاه خواهند دریافت شخص نمایند که زن حامله است به پسر دارد یا دختر قمل که عیاره در حکم

در نشتش باشد بر کف دست زن حامله گذارند و زن قدری شیر بدوشند هرگاه
قمل در شیر حرکت کند پسر خواهد بود و هرگاه حرکت نکند دختر است
بجهت درد دندان قیقهر صمغ است شبیه سندروس و بدبوی و بدطعم و تهیه (?)
رال و نقاری بعبر و بعره شجره نامند و تمیمی گوید اسم عربی سندروس است
سنون (?) او بجهت درد دندان از مجربات است در سیم گرم و خشک است
بجهت قطع یرقان مداومت نمودن کاکنج هر روز بقدر یک مثقال
مجرب است رفع علت یرقان در اخر دوم سرد و خشک است
بجهت تشقق لب و کلف و نمش نرم کردن جلد و رفع خشونت ان کتیرای کوفته
طلا کنند رفع علتها کند و مجرب است در حرارت و برودت معتدل و در اول
تر است بجهت قرص دوار با ضماد موی عصاره قنطوریون بهر که
طلا کنند بعد از رفع کردن موی بهر را با نوره مجرب است در اول اسم گرم و خشک است
بجهت جراحات مزمنه و ناصور قنفهر که نقاری بعبره و بعراته سندروس باشد

مرهم او رفع علت کند و مجرب است بجهت زخمهای حاره و جراحت
تازه و قطع خون آن و تسکین درد در زر کافور را با او و مناسب رفع علتها
کند و مجرب است کافور در سیم سرد و خشک است بجهت زخمهای نقره (?)
و قروح سر و قوبا گوگرد را با بات و نیم وزن گوگرد صمغ عربی طلا کند
رفع علت کند و مجرب است در اخر سیم خشک است
بجهت جابر در امراض بارده مقعد […] کنم از نقاری وسمه گویند مانند روغن
او را که اب او را گرفته با مثل ان روغن کنجد جوشانیده باشند بعد یکه
روغن باقی مانده باشد طلا نمایند مجرب است در دوم گرم و خشک است
بجهت مو خوره که آتش و جراحتی از نوره بهم رسد و خشونت
و خارش بدن کنجد کوبیده را لعاب بزرقطونا ضماد نمایند مجرب است
بجهت تنقیه فضول غلیظه و اخلاط فاسده و جهت درد مفاصل و عرق

الثة وبهق واثار خوردن قدر کثر ماهی را و قی کردن باب کرم
وعسل وکنجبین رفع جمیع علل کند مجربست
بجهة فربهی سندروس را با کنجبین مداومت نماید مجرب درجهٔ
کرم دراول خشک و قدر خوردنش یکدرم است
بجهة تسکین درد دستخوان داورام بورنکان را کوبیده با زعفران
وتخم مرغ ضماد نمایند رفع علت کند مجربست درسیم کرم و درجهٔ
خشک است
بجهة گزیدن زنبور وعقرب سیر را در ابتدا
با دوترکان را بعنبر کوبند بعسل گزیدن عقرب بکنجبین حجة گزیدن زنبور
شربا مجرب و ضماد مجرب قدر خوردنش از خشک او یکمثقال است
و در آخر درجهٔ کرم و دراول آن خشک است
بجهة رفع گوشت زیادی و رد یا نیدن گوشت بن دندان شادنج مجرب
ازشادنه

از من و نه نهاری است ذرور او مجربست دراول کرم در آخر خشک
بجهة سستی بروده امعا سرادس وو موی کباب ماهی را با آب غوره و سماق
بخورند مجربست درجهٔ سرد تر است بجهة مفاصل یکمثقال از سورنجان سنا
که از سه روز تا یکهفته هر روز بپاشند مجربست در آخر درجهٔ کرم دراول خشک
بجهة عسر بول یکوقیه روغن گاوی را با نیم وقیه شکر بخورند مجربست
و در آخر اول کرم تر است بجهة دمعه چشم سنبل الطیب با عفص
اکتحال نمایند مجربست درجهٔ کرم و خشک است بجهة سماق قرص
وجلای آثار وسلاق سندروس سائیده اکتحال نمایند مجربست
بجهة بد بوئی زیر بغل و بد بوئی میان انگشتان پا پوست اترکان تر بن بجان
کوبند ضماد برگ تازه کوبیده رفع علت کند مجربست دراول کرم با ید بنخ کی
بجهة جرب و حکه شاهتره را با حنا در حمام ضماد نمایند رفع علت
کند مجربست در حرارت معتدل درجهٔ خشک است بجهة بواسیر

بجهة بواسیر صارجون صفدع را ... بیتر که فرباغه نامند اطراف حبشه
انداخته با پیه کرده بر محل اخته روغن اورا جمع کرده طلا نمایند رفع
علت کند و مجرب است در سیم سرد و خشک است در اول .
بجهة پرزد و یرقان و رفع سدد و ورم طحال طبیخ بیخ طرفا را
معیاری درخت کز گویند یا برکه بنوشند مجرب است و باید هر روز
بی مخمص بنوشند رفع علت‌ها کند
بجهة تر بن کردن آب چاه
خالص شور باب تلخ شود مخلوط کرده عرق کشند تریاقی شود مجرب سرد و خشک
است
بجهة بکیار طفلت خاک تنور را با برکه و نمک طلا نمایند
مجرب است
بجهة گزیدن هوام خاک را با برکه طلا نمایند
بجهة هوام بعید بل است
بجهة متقیه زخمها دبردن گوشت
زیاد و التیام آن عسل را با غذ به ضماد کنند نمایند طلا مجرب است
بجهة منقی کردن زن حامله و غیر حامله عسل را با آب گرم شربت
کرده

شربت کرده بنوشند ناشتا باعث منعی گردد در حامله و غیر حامله مفقود است
بجهة استرخا قضیب و نعوظ گنجشک را موکنده بالتمام موای سر اورا
دوده در آشیان زنبور عسل بیاویزند بجوشانند تر بس در محل سرخیر
بجهة تر دل آب چشم نوعی از صفدع سبزه در اشجار بهم میرسد چون او را با مثل
او دانه بنیه بسوزانند اکتحال آن رفع علت کند و مجرب است
بجهة اخراج زلو ... در حلق مانده باشد طحلب فارسی جلم و ترخ
د جل ذرنج گویند چون طحلب را بلع کرده در ساعت آب گرم اشامیده
قی کند در اخراج زلو مجرب است در دوم سرد و تر است
بجهة ساقط کردن دانه بواسیر و ثالیل که ظاهر در درخت کز است برگ اورا ۳ دفعه بخور کنند
رفع علت‌ها کند و مجرب است و در اول سرد و در دوم خشک است
و بجهة گزیدن هوام و مار طیس صورت که از بلاد میروان ارند نگاه داشتن و با خود داشتن مجرب است
بجهة درد گوش چون موی سفید مقعد گنجشک را کنده پاک کرده در تقطیر گوش
بدارند فی الحال درد او ساکن کند و مجرب است

بجهة اطلاق اطلاق طبع انجیر را کوبیده ده مثقال ده مثقال دیگر مغز گردکان
را هر دو بیست مثقال باشد اطلاق کنند مجرب است اول ملینی در سوم
تر است
بجهة داء الثعلب نیش روباه را با پوست سوخته تخم مرغ
طلا کنند رفع علت کند
بجهة سم تمام مار ریک و دیوانه گزنده
اب تنبل را عبارت تنبلان ادوی کوبیده باشد ازان اب نیم رطل تا یک رطل
دفع سموم کند و مجرب است
بجهة صداع بادسرخ و اورام
ملتهبه حبس الرسنک که باشد با اب کشنیز تازه طلا کنند رفع الم و علت
کند مجرب است در سیم سرد و خشک است
بجهة برسام الفاق
پوست سر نیز قاله بر سر صاحب برسام از مجربات است
بجهة امراض
کوشش کری قدیم اب طبخ افتیمون را با زهره مرغ در روغن بادام تلخ قطور نمایند
رفع کری و علت کند مجرب است
جهة درد معده کهنه و درد
تهیگاه و درد جگر افتیمون را سائیده با موم و روغن گل طلا کنند جهة دفع
علت نا کند مجرب است
بجهة خراز را عبارت از گچی باشد

سنک سبوباسم سوخته و جو سوخته با الویه طلا کنند بر سر بسیار مجرب است در رفع علت کیند
بجهة تشنج کزاز و مواد منجمده را عبارت از نخس سنگ باشد و بنه کوسفند را
ورق کرده بر عضو به بندد تا رفع علت کند و مجرب است
بجهة زحیر و قیون سعی
با مرصاف و زعفران با لوبیه فتیله نمایند و حمل کنند دفع علت کند مجرب است
جهة قطع اسهال اطفال اقاقیا را با لادن در روغن گل خام نمایند رفع علت
کند و مجرب است در سیم سرد و خشک است
بجهة تاریکی چشم و ضعف باصره و معده
و سحج و جرک بواسیر دنواصیر شامیده تا سفوف امله مقشر با قند با لوبیه طلا کنند
دفع علل کند و مجرب است
بجهة تعفن بن دندان و درد یا نیدن گوشت ان جرمیلک
بیخه کو مسمان لرشاک بحث زکنتی و طول زیاد بریزی نیت سنون ادبر دندان نغ
علت کند مجرب است
بجهة خواق بوییدن گل با مجرب است
بجهة کلف
تتش تازه تریاک مغز سرد نشده باشد ضماد نماید مجرب است
بجهة درد شقیقه
مغز سر بوم را با روغن بنفشه در سوراخ بینی طرف مواقی صاحب شقیقه قطور کند رفع الم کند

بجهة رمد و سوزش چشم مجربست اگر صاحب الود را بفارسی درب میت تا بر کف دست
بمالند تا کف بمالند دست سیاه شود سیاهی او را باب و غیره بر دو دسته بر رمد طلا
کنند در ساعت ساکن شود مجربست در چهار روز در ترست

بجهة درد سینه و برقه سرناز شیرین را بر ده سته سوراخ کنند بد قهات بقدر گنجایش دانسته باشد
روغن بادام شیرین در آن ریخته بروی آتش گذارند تا روغن را جذب کند که دیگر رسد
دیگر جذب نتواند کرد بمکیدن روغن مزبور رفع علت کند و مجربست سرد یا عتدال
و ترست بجهة رفع قی و تقویت معده کوبیده ترش انار دانه را
با مویز و بالویه و غیره آن زیره کرمانی بخورند رفع علت کند و مجربست
بجهة قرحه قضیب و مقعد خاکستر کدو را ذرور نمایند مجربست بجهة ورم
چشم سرد ریباس او قطع خون باشد تشش جگر سفید کوبیده ضماد نماید رفع علت
کند بجهة دفع کرم معده طبیخ بیخ انار بیاشامند دفع علت کند مجربست
جهة دفع جرب و حکه صفراوی مطبوخ هلیله پوست انار با تخم او ضماد نماید دفع علت کنند

اگر

بجهة خفقان و غشی از زبانه را با گل گاوزبان بخورند رفع علت کند و مجربست در اول
سیم گرم و در آخر آن خشک است بجهة رفع ثالیل را اتانیح که عبارت از صمغ
صنوبر است که بنفش مثل سایر صموغ منجمد میشود با آتش طبخ داده منعقد کرده را
تاتیح مزبور با تخم کتان بالسویه ضماد نماید رفع ثالیل کند و مجربست
ایضا با تخم کتان را اتانیح بجهة بواسیر مجربست ضماد ا بجهة ازار درد سر و ضم
دشقیو و حدار زرعا و نوعی از زرهای است عریض و کوتاه پشت او بهن مایل بسیاهی و شکمش
بسیار سفید و چون در دام افتد دسته یا میلرزد عرق چلیل از پوست او رفع
علت نا کند و مجربست جهة جرب و حکه صفراوی مطبوخ هلیله پوست انار
با تخم او ضماد نماید رفع علت کند و مجربست بجهة دفع کرم معده طبیخ بیخ انار
بیاشامند دفع علت کند بجهة اسهال خونی و سحج مجوف فرج
امعا پوست انار ترش را با زو بالویه سائیده در سرکه بجوشانند تا محرق شود منعقد

کرده فلفل جهار زنجبیل داده پانزده عدد با باران بخورند رفع علت کند
مجرب است   بجهت زکام رسیدن اسم نباتیست از جنس تخم شبیه
بدرمنه است دو داد رفع زکام کند مجرب است   بجهت رفع سیح شش جگر
سفید باشد سوخته آنرا در دو کرده با آب بپاشامند رفع علت کند مجرب است
بجهت خون بواسیر تخم محرق هلیله کابلی و سوسنون بپاشامند قطع خون کند
مجرب است اللصالحه بجهت نزف الدم رعاف مجرب اللصالحه تقویت دندان
دلش مجرب است   بجهت دفع جمیع سموم حیوانات تریاق گاو کوهی مجرب است
هر گاه طفل را بعد از ولادت شیر نداده باشند قدر نخودی از تریاق
با شیر حل کرده در کامش کشند مادام الحیوة آن طفل از گزیدن هوام ایمن
باشد و از زهر ایمن طفل [illegible] شود   بجهت اسهال ابدا [illegible]
در [illegible] هستند مجرب سرد و خشک است

بجهت صداع مجرب است   چهار تخم مرغ را با کافور در زیر آتش خمار دو بماند
مجرب است   بجهت دردسری که از صفرا و بخارات احشام و غیره حادث شده باشد
و از خون هم باشد سرکه را با گلاب جوشانیده پارچه کتان تر کرده بر سر ضماد نمایند
رفع علتهای مزبوره کند مجرب است   بجهت درد سر کهنه و نزلات دماغی و در
تحلیل مواد بارده عرق قوی اجراب [illegible] بعد نافه در آب
با غراب اندازند که آب را بجوش آورده سر را بخارات آن بدارند مجرب است
در درجه دوم گرم و در چهارم خشک است   بجهت بوی دهان [illegible] کند
بجهت درد سر خار زهره که در اصفهان کوکه و ترک ملتهان گویند آب آنرا گرفته
با شکر بیاشامند رفع الم کند مجرب است در اول گرم و در اول خشک
و شیرینش از آب ادبیت پخته است   بجهت سوختگی آتش سرکه را با
زاج طلا کنند رفع الم کند در دوم سرد و خشک است   بجهت رفع خار و خشکی
و نب النهاب خمیر [illegible] خمیر مایه گویند و خمیر ترش گویند قدری از آن را

تا چهار دنک طباشیر وچهار دنک شکر ویکدانک زعفران بیاش مند
رفع علت کند ومجربست مرکب قوی درجه خشک است شربتش تا یکدو
درهم است   بجهت تحریک باه یکدرم خولنجان سائیده را با یک
وقیه شیر کوسفند ناشتا بنوشند تحریک میکند ومجربست در اخر دوم
گرم وخشک است   بجهت فواق مطبوخ دارچینی را با مصطکی دفع علت کند
در اخر گرم وخشک است قدر شربتش تا دو مثقال است
بجهت سیاهی موی ثمر بید را چند روز مداومت نمایند مجربست
بید درجه سرد در اول تر است   بجهت سرفه حار ریشه خطمی را
کوبیده در لته بسته در اب کذاشته و در زیر اسمان چندان بگذارند
که اب منجمد کردد شیر با طلا مجربست   بجهت سوزش عضو خشونت
اکر ادرکه طبخ داده باشند ضماد ان رفع علت کند مجربست
بجهت درد دندان وفروع لثه مضمضه طبیخ ترکه بازیره وسعتر

رافع

رفع علت میکند   بجهت بدبوی دهان از ریش ارکت معده قیح باشد
چون یک اوقیه بیاز عنصل خشک را داغ کرده در سرکه بجوشانند تا محو شود
و یک هفته در افتاب کذارند وصاف نموده روزی ناشتا درهم ازان بنوشند
جهت قطع رفع بدبوی کند مجربست   بجهت تحلیل صلابات عظم
مایوسه خمیر مایه را با خا و روغن ونمک ضماد کنند مجربست
بجهت غشی وبیهوشی خوردن خمر با بقدر ربع رطل باب سیب وکوشت ابی
چربه رفع غشی کند مجربست   بجهت اسهال یکدرم از استخوان دانه خوخ
که بفارسی شفتالو کویند رفع اسهال کند   بجهت درد معده بارده
تابوت العلاج اب مطبوخ یکدرم از دار شیشعان که بفارسی قندول وعود الرق نهند
با شکر رافع درد معده مزبور کند ومجربست درجه دوم کرم وخشک است
بجهت دراز کردن مو وسیاه کردن ذکر اشتر را خشک کرده با مازو کوبیده

ورد ودهن زیتون جوشانده برموی بر طلا کنند مجربست بجهة قطع
سیلان خون حیض و در درجه نیم بجهة تخم مرغ را با نیم تقاف جرم لاک که زرد
کرانی زموره ما مند بخورند رفع علت نخود مجربست در اول گرم و خشک است
بجهة فرود مغز زرده که عبارت از ذفاجل باشد استخوان اوراکوبیده
در روز مانید مجربست ود دوم گرم و خشک است بجهة غش اسیب را
گرفته با شراب یا باب کوثب رفع غشی کند مجربست در اول گرم در دوم تر است
بجهة امساک منی را نگاه داشتن کوبند منی را مغز تخم تمر هندی راحب کرده
بخورند مجربست تمر در سیم سرد در دوم خشک است بجهة قطع تب
اب برکه خرفه را با ریوند میوشند رفع تب میکند و مجربست در سیم سرد و تر است
بجهة دمعه در حرب و سیلان چشم بیمار ارعبارت از خرمای نارس بگیر غوره
ارز و فتاده باشد مانند شیر نیفتاده باشد اب او را گوفته با اب غوره بجوشانند تا غلیظ گردد
در چشم

و در چشم کشند رفع علت اکند و مجربست در اول گرم و سرد در اخر آن خشک است
بجهة سعال مزمن روغن بنفشه را بناف تدهین کنند رفع علت کنند مجربست
بجهة درد گوش بار دیول کاش بوصیر و مر قطور مانید رفع علت کنند مجربست
بجهة صداع چار تخم مرغ را با کافور و بزر البنج ضماد نمایند رفع صداع کنند بجهة رعاف
پوست تخم مرغ را سوخته سیاه شده باشد خاکستر نشود نقوح او رفع نمایند مجربست
بجهة دفع کلف و نشاب طبیخ ترمس ارغاری یا طلای مقوی کوبند یا حصل رفع
انها کنند مجربست بجهة حصاة در شکنه بره با شد طبیخ خرما حلبه بخورند رفع علت
کنند مجربست در دوم گرم و در اول خشک است ایضا بجهة غلبه تب بلغمی مجربست
بجهة شراد شقاق نوت نارس با سرکه ضماد نمایند مجربست در اول گرم در دوم خشک است
و بجهة اورام حاره دخنا زیر و غدد و بارد گندم را با اب شیر طلا یا ضماد نمایند رفع علت کند
و مجربست در اول گرم و در رطوبت و یبوست معتدل است بجهة قرحه
شانه حب الحدید را با سرکه بیاض بیضه سائیده و خشک کرده باشند و در ساییدن
بسیار مبالغه نمایند تا سائیدن ۵ دانگ او بجهة رفع علت مذبور مجربست

بجهت بد بوی زیر بغل وکنج ران خبث الذهب که ثفل طلا باشد
طلا او با اب رفع علت کند مجربست
بجهت درد دندان بیوم
لطوح اب خردل مجربست لطوح عنب اب او را به پارچه تر کرده پارچه
مزبور را افشار نمایند یا طلا کردن اب برای موضع بجهت درد زانو
اب برگ حنا را با اب برگ بید انجیر طلا نمایند مجربست رفع علت کند
الاضطراب رب برگ مزبور با اب برگ مزبور بجهت شقاق مزمن مجربست
بجهت رعشه مزمن خرنوب با تخم درشت جوشانیده و از شرم مزبور حیاشی مقعد
رفع علت کند مجربست در دوام خشک و تر بی مایه مجربست
بجهت قوبای سرکه به ترکی دمرچه گویند حرخطائی کیاهیست که از درخت
بادام در بیتون میروید فرو در برگ خشک او و سوخته او رفع علت کند مجربست
بجهت احتباس بول گل کافته کوبیده با مات خمیر کرده بر مثانه ضماد نمایند
مجربست در دوام گرم و در اول خشک است بجهت زحیر جلوی برای
اجر گرم شده تن مجربست کیفوش رحیم روغن گل بران ریخته باشند
بجهت جرح

بجهت جرح سوخته استخوان شتر با با اب مجربست در دوام سرد و خشک است
بجهت اکله و ناصور در در استخوان سوخته رفع علت کند و مجربست بجهت
منع رو شدن مو که کنده باشند سوخته علق را نفاری زالو گویند با سرکه با اب
سیم ضماد نمایند مجربست در دوام سرد و خشک است بجهت دمل تار
عنکبوت که عبارت از دام او باشد بر که تر کرده بر آن اهتیدای دمل ضماد نمایند
رفع آن کند مجربست بجهت جلای دندان عود را سوخته صلابه کرده با انگشت
بر دندان بمالند یا غرور نمایند رفع علت کند و مجربست در اخر دوام گرم در سیم
خشک است بجهت سنگ غری المک در رطوبت مجلی است او در شکم
ماهی بیقی دراز که خبر البحر نامند روزی یک مثقال یا دو مثقال تا چند روز مجربست
بجهت سنگ مثانه ترب را سوراخ کرده چهار درهم تخم شلغم را از درون جای
داده نفیر را پاره پاره ترب مسدود نموده در خمیر بگیرند در زیر اتش بپزند
و بعمل تناول نمایند مجربست بجهت درد معده و ضعف معده مقدار یکدانک

غیره را هر روز تا سه روز بخورند رفع علت کند مجرب است در دوم گرم و در اول
خشک است   بجهت اکله و قروح خبیثه برگ عناب را در دوغ بسایند
رفع علت کند و مجرب است و عناب در حرارت و برودت مایل
برطوبت   بجهت دراز کردن موی گل بنفشه را در روغن زیتون جوش
بدهند و با مجرا انگشت طلا مالند مجرب است گل مزبور در دوم خشک و بنفشه
در اول سرد و در دوم خشک است   روغن گل بنفشه مزبور بجهت درد مفاصل مجرب است
گل بنفشه مزبور بجهت استرخا مجرب است   بجهت باد سرخ زرنیخ را با سرکه
در ماء الملح طلا مالند مجرب است   بجهت درد فالج و رعشه و دردهای بارد
و درد کمر و امراض بارده عصبی کهوله که عبارت از طلاء وار باشد بجهت مدر
و بهق و بسیار نافع معجون لذان ترکیب شده مسمی بمسهل الملوک در دستورات تا
مذکور است بجهت امراض مذکوره مجرب است [illegible] است در اول سیم گرم و خشک است
و با این همه [illegible] المزاج [illegible] مزاج طبیعی بدون احراق خلط
بجهت اسهال

بجهت اسهال [illegible] که [illegible] نقابت مجرب است [illegible] باشند
با پیه کرده بزیبا شامند بجهت جمیع علل مجرب است   بجهت باد سرخ
و اورام حاره سفیداب سردی را با آب طلا مالند مجرب است   بجهت ثالیل
و شقاق [illegible] سپیده باشد ضماد مالند بجهت [illegible] عنصل مجرب است
بجهت قولنج پیاز عنصل کوبیده با سرکه چهار روز بگذارند بعده در میان زنجر گذاشته
یک روز در عسل رقیق خیسانیده بیرون آورند و در کوزه [illegible] بکنند و بعد از آن
آب گرم بر آن بنوشند رفع قولنج طبیعی کند و مجرب است   بجهت اورام حاره
اسفناج را پخته با آب قلی ضماد کنند و نزلات حاره [illegible] مجرب است در اول [illegible] دوم تر
بجهت مالیخولیا و توحش و رفع خفقان و تشنج دوازده درهم افتیمون را با نصف
رطل شیره تازه چینانیده پانزده مثقال سکنجبین داخل نموده بنوشند تا یک هفته رفع
علتهای مذکوره کنند و مجرب است و در سیم گرم در دوم خشک است   بجهت ادرار [illegible]
بلغم اکل با سکنجبین بخورند مجرب است در دوم گرم و خشک است   بجهت قولنج [illegible]

بیخ آن را بالمناصفه با شیره تازه ده روز خوردن مجرب است در دوم خشک است
بیخ در برودت و حرارت معتدل است — بجهة قطع رعاف سعوط
کرد برنج در چینی سفید کردن او و بهم رسید مجرب است — بجهة
مفاصل حاره و ورمهای حار سفیداب قلعی با شیر دختران طلا کند مجرب است
بجهة مفاصل تفتیت حصاة سنگهای که در جوف اسفنج
که عبارت از ابر باشد مجرب است در اول گرم و در دوم خشک است
بجهة پیچش جوف پیاز عنصل با برکه ... در حمام بر تهیگاه بمالند [illegible]
و اطراف نکنند تا بل سازد و مجرب است در آخر سیم گرم و خشک است
بجهة تقویت اعضا ناقهین برگ مورد را با عدس و عفصی و گل سرخ [illegible] مساوی ضماد نمایند
مجرب است در اول سرد و خشک است — بجهة رد باز ... موی مجرب است
برگ مورد را با آمله با لیوه یک هفته بخیسانند و در روغن کنجد بجوشانند تا لوبیه
رفته باب روغن بماند طلا کنند — بجهة تب دق و سل تخم اسفناج کوبیده

بشیره کشیده میل کنند مجرب است قدر شربتش ده درهم است — بجهة
سقوط اشتهاها چند روز از آب طبیخ افسنتین بقدر بیست مثقال بنوشند
رفع سقوط اشتهاها که از رطوبت باشد مجرب است در اول درجه گرم و در آخر خشک است
بجهة قطع خون بواسیر گردکان را سوزانیده با پوست بقدر یک مثقال
با رب مورد و بیاشامند قطع خون شود مجرب است در دوم گرم و در اول خشک است
بجهة رعاف بجهة رخسار زشت ره چوب گردکان را بارکه بر رخسار طلا کنند — بجهة
درد ورک و اکله و نور بصر چشم و نرم کردن اعصاب و رفع دردهای بارده بدنی
و زایل نمودن قوبا و داء الثعلب و قمل روغنیکه از ریشه درخت گردکان گیرند
بجهة جمیع علتهای مزبوره مجرب است و طریقه گرفتن او این است در قدر بازو و در
روغن زیتون آنقدر جوشانیده که روغن سیاه شود پس آن روغن را صاف کرده
در شیشه کنند و در فصل بهار و خزان ریشه درخت گردکان را بریده بروی در شیشه کرده
در تغار شیشه رسد و دهان او را مسدود کرده که آب بجوشانیده تا وقتیکه درخت بار در گردد
بیرون آورند [illegible] شبیه بداود در شیشه یافت شود و آن خضاب است ... بدنها اثر آن

رخی

بمانند تا یکماه تعهد نموده اند و چون قبل از موی بر آمدن بر آن
در حمام طلا کنند مانع روییدن موی شود و محلل و محی واثبات مبدن
روغن قرنفل در روغن ... هم تا یک هفته و بجهة درد ورک مجرب است
و طلای او بجهة اکله و تقویت بصر چشم نرم کردن اعصاب رفع درد
بهای بارده بدنی و زایل نمودن قوبا و داء الثعلب و داء الثعلب مجرب است
و بجهة صداع مزمن خوردن یکدانگ از تخم جوز ماثل که بفارسی
تاتوره گویند بجهة صداع مزمن مجرب است در اول سرد و در چهارم خشک است
بجهة حصاة زمان حجر الیهود را بخورند از یک دانگ تا نیم مثقال مجرب است
و بجهة نقرس بر پوخته غلبواج را از یک دانگ تا درم و نمک با آب بیاشامند
رفع علت کند مجرب است غلبواج در دوم گرم و خشک است — و بجهة
عرق النسا حرمل که بفارسی اسفند گویند هر شب یک مثقال تخم حرمل ناکوفته را
تناول نمایند تا پانزده شب رفع آن علت کند مجرب است حرمل در سیم گرم
در دوم خشک است — بجهة نمش و هر نوعی از جوشش است حب الرشاد را

با صابون و عسل ضماد کنند رفع علت کند مجرب است در دوم گرم و خشک است
بجهة تب صفراوی حصرم که غوره باشد آب او را با آب انار بنوشند
میل نمایند رفع علت کند مجرب است در اول و دوم سرد و در آخر خشک است
بجهة ضیق النفس حلبه که شنبلیله گویند مطبوخ او با رب پرسیاوشان
رفع علت کند مجرب است در دوم گرم و در اول خشک است — بجهة بواسیر
بیخ حماحی را یک مثقال با آب خبث الحدید بنوشند رفع علت کند مجرب است
طریق رب او خبث الحدید را کوبیده بکجا جوشانند آب او را گرفته در دوم سرد
و خشک است — بجهة حصاه سرگین حمام که بفارسی کبوتر گویند او را در هاون
یا سه درهم دارچینی رفع علت کند و مجرب است گوشت در آخر دوم گرم
و خشک است — بجهة تولید منی خشک و نخود را با آب جوجه که بفارسی
تزرک گویند مکرر پرورده کنند شربت او بعد از ... و خاصیت او

بجهة بر طرف شدن ثالیل نخود را در اول هر ماه نو بعدد ثالیل هر یک
از ان یکعدد نخود بمالند و مجموع انها را در لته بسته در میان هرزه یا از بالای
ان لته را بجانب عقب بیندازند در اخر ان ماه جمیع ثالیل بر طرف میشود و خاصیت
اوست   بجهة ثابت کردن صاعد [illegible] اب کوبیا خیسیده
خرتوت [illegible] را گرفته با اب مورد منقی را جادو است و از اسرار اهل صنعت است
و فواحی اوست   بجهة اعاده بکارت از اسرار است استخوان نوع مرغ سیاه
با مثل او چوب تاک که با هم سوزانیده شده باشد با برموم سرشته خمو نمایند اعاده
بکارت کند و خاصیت اوست   بجهة رمد و دمل کل انار سور هنوز باز نشده
باشد چنان بر دو هر دارند که دست نخورد و ناشتا باشند بلع کنند تا یکسال
رمد و دمل نه بینند و از اسرار است و خاصیت اوست   بجهة عسر ولادت سنگ
مقناطیس بر دست چپ و پای چپ تعلیق نمایند خاصیت اوست رفع علت کند   بجهة تنقیه حیض

ابر

ابره کبوتر در بالای سر صاحب ابله دارند یا در زیر او باشد شفا می یابد و خاصیت اوست
بجهة اعاده بکارت از اسرار است استخوان ساق پای کبوتر را سوزانیده
فرجه نمایند اعاده بکارت کند خاصیت اوست و از اسرار است   بجهة
منتشر را اخمر کردن بیدانجیر را با خردل و سیر و طلق تقطیر کنند و مقطر او منتشر را قمر
کند و مجرب دانسته اند اهل الصناعت را از اسرار است   بجهة صید طیور و فتی را
با عسل و شراب ریستانی طبخ داده ثمل [illegible] ترتیب داده بر روی بغار اشجار گذارند
طیور که بان نشینند پای بست شوند و صید شوند و خاصیت اوست   توتیا را نوعی خوب باشد
در دوم مطلق او گرم و در سیم خشک است زیبق در دوم سرد و در سیم تر است تا مخفی نشود تراد   بجهة
محبت ده عدد ناخن دست سوزانیده [illegible] و هندبا [illegible] از محبت نا حق
بجهة تحقق رسد خاصیت اوست   بجهة دانا ماندن از طلسمات [illegible] باشق
که شکاری باشد و بهتر کرغز نامند چشم او را بر پارچه کبود بسته بر بازوی چپ ببندند
مانده نشود از خواص عجیبه است   بجهة ازاله کتابت و نوشته جات که را باد و بخن

عبدالرزاق

زیبق دانه که بوزه [illegible] بمانند [illegible] یند و بر نوشتجات بمالانند از اله ان کتابت
کند و بر جامها باعث قطع چرک و چرب [illegible] میکند از خواص اوست   بجهة
رفع تب ربع ملخی بر گردن دراز شود که در غرابه نیبار است تعلیق نمایند رفع
تب اوست بالخاصه   بجهة باریدن باران نعت عود [illegible] را در زیر
طاس سرخ مس موجب باریدن باران است و از خواص اوست   بجهة
محبت یا در نجیبه را بار شبه تخم دکل برگ خشک کرده در پارچه یا ریسمان ابریشم بسته
با خود نگاه دارند باعث محبت دلها میگردد و از خاصیت اوست   بجهة بعید
بکارت از اسرار الطبیعات پرده ملاصق پوست تخم مرغ را با خون کبوتر بچه چون [illegible] نمایند
بعید بکارت میشود و از اسرار است خاصیت اوست   بجهة ابطال سحر و رفع عداوت
و تفرق [illegible] اثرات خاک چهار راه سه در روز شنبه قبل از طلوع افتاب بدست چپ
بردارند و در خرقه کبود بسته تعلیق کنند سحر را باطل نماید [illegible] سیم روز چهارشنبه

بردارند

بردارند جهة رفع عداوت و تفرق موثرات خاصیت اوست   بجهة
خواب چشم غلیواج را در زیر بالین او گذارند که نداند تا خواب او
نشود و از خواص اوست   بجهة درد دندان چون سیطرج را کوبیده در
کف دست مخالف دندان دردناک کرده بدستور بطرف مخالف ان
تا صباح بگذارد رفع الم آن کند و مجرب است در اخر سیم گرم و خشک است
شیطرج بیخ گیاه و نباتیست سرخ بسیار تند   بجهة بواسیر و اکله حمر
زرد را با استخوان پوسیده ذرور نمایند مجرب است   بجهة قولنج سودا
وی [illegible] سعترا با مثل او عناب که با چهارده وزن ان اب جوش بنده
باشند تا بربع رسیده با خاصیه جهة رقیق کردن خون مجرب است   بجهة فالج
حب الصنوبر کبار را با عسل هر روز بقدر ۳ مثقال بنوشند رفع علت کند
و مجرب است در دوم گرم و در اول تر است   بجهة سوختگی اتش
و رفع داحس ابریشم که بزو برین نامند و پیله که کوسفند را باو که طلا کنند بر طرف

بجهة اخراج حنین زنده و مرده و مدر حیض صابون سوده حمول نمایند در این امور

مجربست که رفع علت نماید در اخر سیم گرم و خشک است

بجهة درد مفاصل مزمنه صابون را با زیبق و سلیمانی ضماد نمایند

مجربست بجهة دراز کردن موی سیاه ان و دفع قمل و درد ناپدید

موی که از کجلی بهم رسیده است حب زرد سوده با موم و شراب طلا نمایند

مجربست در اواخر گرم در سیم خشک است بجهة پیرزن سعتر را در سرکه

خیسانیده و بالای سرکه سکنجبین ساخته بنوشند رفع علت کند با سرکه تنها

بنوشند رفع علت کنند مجربست در گرمی معتدل است در دوم خشک است

بجهة دفع سرفه و نزلات رقیقه و درد سینه صوف نفاریست که ‌هم‌ نایند

یا کندم ضماد نمایند رفع علت کند و مجربست در اخر گرم و خشک است در دوم

بجهة ادرار حیض ما مجلس فرفیون را القدر حمول نمایند رفع علت

کند و مجربست در چهارم گرم و خشک است اکر اعلات سوزش نماید روغن گل

سرخ

سرخ رفع است و بجهة فتق و فید که عبارت از قور باشد

و برامدگی ناف قطرا را با بریشم ماهی در سرکه ضماد نمایند رفع علت کند

و مجربست در دوم سرد و تر است و بجهة نزولات بارده

و سکته و سده دماغی قرنفل را بر یافوخ طلا کنند رفع علت کند

و مجربست در سیم گرم و خشک است بجهة سرفه جمع الوبا لورا با کبلاس

مجربست بجهة مانع روئیدن موی خون بوزینه که نفاریست همون

نامند طلا نمایند مجربست بجهة بیاض چشم و جرب زهره کلنک را

با مروارید و شکر با لویه اکتحال مجربست بجهة سرفه رطوبی استنشاق دود

قف الذریره رفع علت کند و مجربست در دوم گرم و خشک است

بجهة رفع ثالیل بینه را قبیله کرده یکطرف او را اتش زده طرف دیگر را

بر ثالیل نهاده بجدی که نزدیک بداغ رسد و سه روز مکرر کنند رفع علت کند مجربست

بجهة حفظ و تنقیه دماغ و لغوه زهره پشته را با مشک سعوط نمایند مجربست

مغز پسته او در دوم گرم و خشک است   بجهت درد دندان و نزلات
بارده فلفل سو با گلاب جوش نیده طلا کنند مجرب است ایضاً بتور
مضمضه لثه را با پوست خشخاش جوش نیده شاید مجرب است در دوم گرم
خشک   بجهت جرب و حکه فرد نانا را بار که طلا کنند
مجرب است در سیم گرم و خشک است   بجهت رمد و جرب
و جوشش چشم سماق را در گلاب جوش نیده قدری کثیرا نیز داخل
نمایند تا رفع علت کند مجرب است سرد و خشک است   بجهت قطع
نزف الدم جراحات و رفع اکله زخمها پوست خشک سوخته قرع سو
که نفاری کدو نامند ذرور نمایند مجرب است در دوم سرد و تر است
بجهت بیاض چشم الماس چینی را در برگ نی جمع ملوک اکتحال نمایند رفع علت
کند مجرب است در دوم سرد و خشک است   اکثر خواص فقرا للهوات
از مجربات غریبه جهت تسکین اعتقاد جرم و سعال و فم ترنج و عسر النفس و عرق النسا و کلف بدن

هوام

هوام و سهال   در تبدیل رسوب بابیض رصاص با عمال مخصوصه
سپید مجرب است در سیم گرم و در اخر خشک است   بجهت درد سینه تغیر
ریعانی جو کوبیده با عناب و انجیر و سپستان و پرسیاوشان بخورند مجرب است
در اخر اول سرد و خشک است   بجهت درد رحم حمول زبل شقعی بری
که بترکی الاغ خته گویند مرغیست از فاخته بزرگتر و سفید و طوق گردن
او سیاه حمول زبل او رفع علت کند مجرب است گوشت او در دوم گرم و خشک است
بجهت پیرز و عسر بول ریشه های بارنک سلجم معرب از شلغم فارسی مارست شنیده
با عسل بنوشند رفع علت کند مجرب است در اول دوم گرم در اول تر است   بجهت
امساک منی پنج شوکران را با بزرالبنج از هر یک پنج درم کوبیده با صد تیاه عود موبز
بزرگ بمقدار صد تیاه شفقت آب بجوشانند تا آب بسوزد و موبز را خشک کرده
از او دانه جدا سازند مکر قوی دور امساک منی مجرب است در چهارم سرد و در دوم خشک است
قدر شربتش از یک عدد تا سه عدد بالا از آن معتوم قوی است   بجهت رفع بیاض چشم

شب را با مروارید و کلس پوست تخم مرغ و سرکه خوردن با التوبر رفع علت کند
اکتحا مجرب است در درجه گرم و در سیم خشک است بجهت اکله و خشک
کردن زخمها شنجرف هاری مو غرض از استعمال موی انسان است ذرور سوخته
رو رفع علت کند مجرب است بجهت رفع برص تخم شقایق را هر روز
یکدرم مداومت نماید با آب سرد رفع علت کند مجرب است تریاک
او قوی الکد در درجه خشک است بجهت فروح باطنی و سحج شمع ز بهار سی
موم کوبید و خوردن ده فرتوت او که بقدر گندم ریزه کرده فرو برند
و یا در روغنها حل کرده بنوشند رفع علت کند مجرب است در اول درجه گرم
و در رطوبت معتدل است بجهت بهق و برص سعفه و قوبا مجرب است
شونیز را کوبیده و بار که ضماد کنند رفع علت کند مجرب است در اول سیم گرم و خشک است
بجهت رفع زکام و رایحه بطنه شونیز را بو داده با روغن زیتون بقدر چهار
قطره قطور نماید مجرب است و رفع علت کند بجهت اقسام گرم معده و ادرار اهم کلی

بوی ادران را با عسل بنوشند رفع جمیع کرم معده کند مجرب است در اوج ام گرم و خشک است
بجهت اورام حاره و تسکین درد وان کوبیده نیم قطور نا یا مثل ان بر روغن گل و پوست
خشخاش بجهت پاشند ضماد نماید رفع علت کند بجهت دفع و شپش زن را شهدان
بسیار سوده با عسل با التویر در حمام طلا کنند رفع الم کند و مجرب است در اول گرم درجه
خشک است ایضا بجهت ریاح نفاس سیاره را با عسل در حمام طلا کنند
رفع علت کند مجرب است بجهت خرقه البول و بول الدم لیتان فروز سو
ر عبارت از بادام خودرو کل حلوا باشد کوبیده در یکرطل شیر حل نموده صبح در ما
بمات کذاشته بنوشند سه روز بدستور زیاده بران مداومت کنند رفع علت
کنند و مجرب است در درجه سرد و خشک است و قدر شربتش دو مثقال است
بجهت بواسیر و شقاق مقعد کوبیده پیاز با روغن گاو حال شتر ضماد نماید رفع
علت کند و مجرب است ایضا ضماد مدنور کنه و خربزه مجرب است بجهت کلف
تخم خربزه سوده که بغیر مقشر باشد کوبیده ضماد نماید رفع علت کند و مجرب است

بجهة دمل بند قطو ما را با آب دهن ضماد نمایند مجربست در سیم دو درهم تر است

بجهة درد معده قرمز نه مثقال لفاح را جوشانیده با فلوس خیار

شنبر و با ماء ترنجبین بنوشند رفع علت کند مجربست در دوم گرم و خشک است

بجهة بواسیر مجربست لفاح ترنجبین ایضا بجهة جرح مجربست مثقال لفاح را جوشانیده

با ترنجبین بجهة قطع نزف الدم باطنی تیم مثقال لسد را با ضعف آن

جمع عربی و سفیدی تخم مرغ سرشته باشند با آب بنوشند رفع علت کند و مجربست در اول سرد

و در دوم خشک است بجهة دفع کرم امعا لسبتان عبارت از خلال مکه

باشد صد عدد از تخم او کشیده قسام کرم معده است مجربست تخمش در اخر دوم

گرم و خشک است و در مرتبه ترک عبارت از اوست بجهة سنگ و بواسیر

کذیده بگمارک آب پیاز را در عرص سه روز بخورد رفع علت شود نفایت مجربست

و را خر سیم گرم و در اول سیم خشک است بجهة اکله پوست محرق بیار سوبا بوی

سوخته کافوری ذرور نمایند رفع کند مجربست بجهة ورم پستان بیه لسطوخ

بارده

بارده با قلا ضماد نمایند مجربست رفع علت کند گرم لطیف است الصبا

زنان بجهة خناق پیه لسطو را با ارده با قلا ضماد نمایند مجربست بجهة حمل

عاقر فرجول دار شمعان که عود الرق نامند قدر شربتش با وجه در هم است

بجهة رو یانیدن موی کله قروح اکاله و خراز زهر خرس ع با عسل و فلفل

تا پنج مرتبه طلا کنند رفع علتها کند مجربست و گوشت او در دوم گرم در سیم

رطب بجهة نبروق سرفه کهنه در وار شم و درخت نازون نیز گو

یند چه ثمر او خشک شیره در جوف او متکون گردد رطوبت غرا و که از درخت

مزبور بهم رسد تا میدالنی با یک مثقال رفع علت کند هر گاه رفع بکند قوه شد

خوب و الا چند دفعه بخورند رفع شود مجربست و صابره کنند بجهة تحلیل

اورام و دو خراب را طلا با ضماد نمایند مملت جمع ورمها را مجربست

بجهة قرطه مقدم کجاست ۲ و الزبل کر بلت از ورنک

که در مغز بنکون منقوع تکرار ضماد مطبوخ با روغن زیتون رفع علت کند مجربست

بجهة قلع بیاض چشم و تقویت باصره کتیلاء و نمک را بفارسی وسمه فرنگی کوبند
رفع بیاض کند مجربست در چهارم گرم و خشک است بجهة جذام محلول ذهب
را بفارسی طلا کویند با مروارید در آب ترنج حل کرده بنوشند بیاشامند مجربست
قدر شربتش یکقیراط نیم تا یک دانک است معتدل مایل بحرارت است
بجهة اعانت حمل قدری از دانک در تحنیت که شبیه بتودری سرخ والد
ان زیره تر و کیاه او قیلد ترکی و در کوهای طبرستان یافت میشود فرزجه او اعانت
زحمل کند مجربست بجهة زردی رخسار هر سببی که معلوم نباشد مداومت
کوشت مرغ و آب کوشت او با کمقتة باران میده و رفع علت کند مجربست
و مجربست در اخر اول کرم در رطوبت معتدل است بجهة درد معده پرده
چینه دان مرغ را خشک کرده بنوشند بعد فوج خوردن از سعوف کردن با ملح کردن
در هر صورت رفع علت کند مجربست بجهة قطع رعاف خون خروس با مرغ
بیاشامند یا خشک کرده سعوط کردن قطع رعاف کند مجربست بجهة قرطه ابتدای

بیکا

بجهة رنجیرا از کل و برک دفلا بفارسی خر زهره کوبند بکیرند آب کل و برک
جدا نپخته او را قدر آب مزبور روغن زیتون اضافه نمایند بجوشانند
تا آب سوخته و روغن بماند روغن مزبور را طلا کنند رفع علت کند مجربست
خر زهره در آخر سیم گرم و خشک است ایضا روغن خر زهره مزبور بجهة جرب و حکه
و برص از مجربات است بجهة داء الثعلب ذباب را بفارسی مگس گویند نگرار خاد
او رفع علت کند و مجربست در اول گرم و تر است بجهة روییدن موی
مکر مکس سوده در روغن کنجد کرده در آفتاب گذارند چند روز بعد صاف نموده
روغن مزبور بسر طلا نمایند مجربست بجهة نیش عقرب و زنبور فلفل بسو
با سرکه عظیم نافع ابد مجربست از خلاصه ایضا بجهة قطع
نیش عقرب و زنبور مرتک را با تراب فلفل عظیم نافع است از خلاصه قدر
شربتش از یک با قلی تا یک درم است بجهة تشخیص آبستنی از است
یا دختر زرادند را لباسید در عسل برشته در برناشتا زن آن را ایشیم بجهة زرکرد

تا پیشین هیچ نخورد اگر دران اوقات طعم دهن تلخ را تبرید باید کمان برد
زردی غالب کرده واگر بلغم دهن تلخ و شور تیغ باید کمان بر باد که چنین بیشتر
شود و مجرب است از خلاصه اکر ماهی تغیر ورو هی نیاید حامله نباشد
نوع الیتق زنان تخم حماض را برابر ذرچی حیب زنان تعلیق نمایند مانع الیتق
میشود خلاصه دیگر است بجهة سلس البول و بول فراشی زهره خفیه سو
با خاکستر خوب کز و عسل امیخته بنوشند رفع علت کند خاصه ست و دیگر است
بجهة بد بوئی دهان و استحکام لثه و دندان کلنار را با برگ
مطمضه کنند رفع علت کند خاصیت است بجهة نوع زنبور برگ
خبازی را با روغن زیتون ضماد کنند درد ساکن گردد از خلاصه است
بجهة نوع ابتلای تخم خبازی را بخورند فیجاب نافع است از خلاصه است
بجهة جمیع سموم تخم خبازی را بخورند و بپاشا مند دفع کنند منفعت
عظیم دارد از خلاصه است بجهة عسر ولادت معجون مجرب چند بیضه بیعه تر یکمثقال جمله کوفته
بعلا اشسند

بعسل بر شتند بخورانند در آب گرم عسل آب گرم یا در شراب کهنه فاتراز مجربات است
بجهة عسر ولادت زن چند زن فربیوم مقلاب بافلای بزرگ مترک
بالنصف آن زعفران سوده در طبخ جمله خورند بزودی خلاص شده بجهة ساقط
کردن دانه بواسیر برگ چوب کذ را نه دفعه بخور کنند رفع علت کند مجرب است
از حکیم مومن بجهة جوی ثالیل برگ چوب کذ را نه دفعه بخور کنند
ساقط کند از حکیم مومن است ادویه مقوی دل زرنباد
تعلیق الماس پوست لیمو ترش ترنج پوست ترنج مروارید ورق طلا پوست درختی
نارنج یاقوت شراب زمرد اقلیما طلائی بادرنجبویه نعناع گل سرخ فرنجمشک پسته
قاغره پادزهر حیوانی سفرجل حل شکوفه ادطبق مختوم طبق ودغستان عقیق
عنبر قند زرشک اقلیما جدوار مورد فوفل خولنجان صندل سفید دل کو سفند سطو
خدرس فاریقون گل نجد طباشیر تخم نیمرشت کشنیز عود شبه گتند هل عرق بیدمشک
طباشیر گل و زمان تدرویع عفرے شک فیروزه لبدسیاه لعل ورق نقره سیب

شرنی پاذهر معدنی ابریشم زعفران عود بهمن سفید سرخ قرنفل سنبل کبابه ساذج هندی
دارچینی کهربا کافور تخم بادرنجبویه چوب چینی خرنوب عرق مخلصه ذرنب الماس
مورد فستق قسط رعیا رث از شبه سیاه رث کل نخود عرق گاو کل تخم ترنجبین

ادویه مقوی معده   ترنجبین از زرشک مرحور نعناع مخلص
پوست لیمو ترش لیمو لیمو نمک پرورده ترش ترنج پوست ترنج بادرنگ پوست ترش
نارنج مقل مکی شقیف امله کندر مصطکی رهبان کدو زیتون اغرور فستق باد ۲
رنجبویه بندق هندی سک کل سرخ و تخم و تخم جمک لسته فاغره بادنجان
سعد سنبل جوز شکوفه اذخر خون عدس عصفور علیق عنبر درونج ورق بلام پرسیاوشان
سبستان رازیانه زرشک خراطین نارمشک قرنفل کبابه نمک خاکشی خرنوب
انجدان مورد اس الجبل زو بلسان قرفه خولنجان الوبالو صندل سفید صمغ عربی
اسقیل هلیله ملیله هیل حور سم خیری دیدطار کزر کشت عود شیبه سقمونیا قسط قنبیل هتره ادریون هیل مورد بلیله
زردچوبه سیر بهار تخم بادنجان فستق عدس شیخ زنگی قیسر اسنبد تخم ترنجبین

ادویه مفرح

ادویه مفرح   ازنب کافور سیب تر بادرنجبویه تخم لیمو پوست ترنج مروارید طلا برگ پوست
نارنج یاقوت ساذج تربد زمرد زعفران بادرنجبویه نعناع کل سرخ سفرجل
طلق مختوم طلق دهنج عنبر درونج لقاح سیب سبستان سرخس غاریقون
کشنیز عود هیل کافور پادزهر تخم ترنجبین   ادویه مقیئ تخم ترب تخم فلوس
بیخ عمور شبه خربزه سکنجبین با آب گرم و نمک گندش کنگر زدخرنی مورسرخ
تخم شبت بکلدم تخم جرجیر نمک هندی آب کدو آب عنب الثعلب عرق مغوم یا سفید
یا آب خیار پوست درخت جوز ماء العل تخم ماریون بوره آب گرم که ریشه دید
وسم ماممتد با آب طبیخ اوعصاره حب النیل   ادویه مقویات
حافظ حواس یعنی نسیان ساذج هندی زعفران موز ماحس البان بادرنجبویه
وتخم پسته قادر عسل عنبر درونج زنجبیل شکر فلفل قرنفل دارچینی حنید حو شاب
عرف قل کندر عاج پادزهر سعوط زهر کلیک دراول ماه بکید مصطکی فستق صمغ
زیتون   ادویه محدر   زرتک تخم کاهو برگ نیک که فت باشد

میل طلا نمک زرفت اقلیمیا قرابیون عنب الثعلب زرجوبه عقیق عنبر شادنج بید رازیانه
سکر العر اقحوان جدوار آب انارین چند فلفل خطاف بورق مرجهود مورد
قرنفل صعتر صبر اسطوخودوس زراوند شیخ هلیله سداب زهره غذاف طباشیر شبه
شلجم شاهتره دهنه قرنفل شیخ دم الاخوین   ادویه مقوی باه و مهل
دهنی زنجبیل خصیه الثعلب خصیه بزماز رازیانه مدحرج زریق زعفران بندق کوشت
فرس کباب کبوتر بچه باقلا بابونج سعد ترنجبین نخود ترصفور زرد تخم مرغ عسل عظم غبر
عاقرقرحا بیه طاووس دارشیعان خصیه خروس ورقوا بادام شکوفه کل نخود اسبیاسه تخم
خربزه کنج سک الکحک حلبه فیجون اقحوان خرنیل جرجیر جدوار زرنباد حرز
قوه کراث کرنب کرفس خاکشی خردل انجدان انیسون انجره قرنفل دارچینی خولنجان نارجیل
فرطم حب الصنوبر تخم صوخر حقید سوریخان تخم تیرشت عود شقاقل شلجم کندر چوب
چینی عاقرقرحا   ادویه مقوی اعضای   زرنب شک عرق مخلصه پادزهر حیوانی
عنبر جدوار دارچینی خوشاب جرجیر پادزهر معدنی مروارید مجول درونج ترنج

ادویه کمد رعرق   کرفس بورق انیسون فودنج رزناس نانخواه کشوت چوب چینی عاقرقرحا
ادویه مقوی عصاب   خصیه الثعلب معوکونه زنجبیل مخلصه باش شک سرم بار کز
نعات تراب مصطکی اه فیانیدق هندی بابونج پادزهر معدنی عنبر دارشیعان شاه
دنج شیت حنید فلفل فوفل قرفه دارچینی حب الصنوبر اسطوخودوس نوس سداب عود
بلادرسدر   ادویه مقوی بانع زرنباد پوست ترنج تکوفه بانع پوست نارنج
یاقوت تراب زنبق بادرنجبویه شک کل سرخ و تخم پسته فاغره بابونج سنبل و شکوفه
عنبر نخجة مغز دجاج بادام بویادران پرسیاوشان خرنیل حنید شیر کوسفند
اسطوخودوس شیر عود زرنب چوب چینی دارچینی خرنوب پادزهر معدنی و حیوانی
مشک عرق مخلصه جدوار   ادویه رادع   شیاف مامیثا فوفل
اقاقیا صندل سرخ آب کشنیز پوستی درختی جوز مائل سقیداب شیر وی گل ارمنی گل ترخوار
نشاسته شادنج پادزهر معدنی لسان افروز که تاج خروس کوسید حضض یکار رب
خشک دانه تبوط خادزرشک کلنار قرا قروط شیل هیشه بهار کاهو اشتر خار دودده تکاتم

خشخاش سفید خشخاش سیاه که تخم شقایق است روغن کوکنار اشنه برزنج اشته در آب
شوکران جوز ماثل

ادویه تقویت لثه و دافع درد دندان کنند صمغ زیتون
روغن زیتون نارس گل سرخ لیته سعد عسل عفص عقیق عنزروت سپید خلال مکه روغن تخم
حضض نکا اقلان پوست انار سماق پوست درونی حور مر فودنج قرطاس صدف
شاهتره کندر اذخر

ادویه محلل سرکینی بادهای معده شکوفه ترنج
پوست ترنج روغن تخم ترنج روغن بهار نارنج کز شکوفه نارنج مقل حلتیت مصطکی
حرمل برگ رز دالو مزمار الراعی ساقح زوفای رطب زعفران زفت زرنبخ
مویز فنجنکشت افتیمون بنطافلن گل سرخ دوج تخم فرنجمشک قراسیون فجل فاشرا
باقلا بابونج بوی مادران یا آذریون سقمونیا عنب الثعلب طرخون اکلیل الملک
عسل علیک البطم غب عشبه عصا الراعی قرو جایاس سفید دار شیشعان دیق رشاد آب
انگور آب خروس سالدار درونج دردی وقلاه و قوثبت نمک پنیر روغن دنبه
بادام تلخ پرسیاوشان بسفایج لسان الثور خلال مکه پیدلیط رازیانه کرنب سک الملک
روغن

روغن گل سرخ حضض نکا حلبه اقحوان خرنیل حشیشه جدوار زنجبیل سماق چند بیدستر فلفل
کبر تخم کبر کبابه کبریت کراث کرفس خطمی بورق فاکشر خردل خرمع تره انجدان انیسون
انجره مورد قرنفل دارچینی خولنجان نانخواه قنب قرطم صعتر صبر درمنه اسطوخودوس
ابرار زی جوز حقند سنبل رومی بورنجان ملس سیر سدر رخس سلاب غار ریقان
گل سجید شونیز خطمی فلوس کشنیز شعیر خیار تخم ادخشخاش سفید اشق اسارون عود
شلجم رکان کندر چوب چینی اذخر ادریون هل مامیران اشق جوز رانانه کیم تخم
تربتی

ادویه مقوی جگر زرنگ مغص تیش ترنج بیخ و شاخ و برگ
کرنا برگه بارکز مثلث شراب مصطکی مربای کدو مویز با درنجبویه نبک دوج تخم
فرنجمشک فاغره عنبر درونج پرسیاوشان شکر حاجی حرم زنجبیل فلفل قرفه
خولنجان جگر گوسفند طباشیر کشوث خشخاش سفید عود شقاقل اذریون
هل زرنب مشک عرق مصطکی مار زهر حیوانی و معدنی خوشاب چوب چینی
دارچینی جدوار

ادویه مقوی باصره زمرد وقشت سنگ سرمه

سماق تخم ترب تیز دم الاخوین   ادویه مولد خون صالح کنند ورقیق کنند
مربای کدو که با شکر نغا ساخته عناب انگور حاشا ب انگوراب گوشت مرغ بچه
هندوانه جگر اردک پر دار شکر حبش رمان ثوم فلفل کاهو جبین ، ماء الشعیر خشخاش
سفید خصیه خروس شاهتره فوت فستق   ادویه بدره شیر شتر
کرسنه تخم خربزه تخم کاکنج تخم کاهو کراث ناک خیار انیسون انجره انیسون روناس دارچینی
ناخواه قنب حب الصنوبر اسقیل اذار درخت خرفه ثیل خر سند روس سوس سپندان فستق
عاریقون تو نیز خراطین کشوث ، ماء الشعیر خیار تخم اد اشق اشترغار اسارون
شلجم شاهتره فوت هندبای دانه خربزه چوب چینی اذخر اذربوی ماميران
اهلیلج کابلی دوح خرفه سعد کوفی عاقرقرحا شیت تخم ترب تیز
ادویه مقوی اعضا ماشی مالیث مروارید سناث روغن زیتون نارسی ربق تیخ
سندق هندی گل سرخ طین عرعر عنبر دار شیشعان مغیلا اکلیل الملک کبابه
ثیر شیر خرنوت خرنوب مورد اسقیل اسطوخودوس کادرس سنبل جبلی سنبر برد
مرخوس

برخس عاریقون طباشیر ریحان   ادویه منع عرق از بدن کنند ماشی
مورد مازو جبین کرنج باشد فوفل اقاقیا یا گل سرخ وبرگ مورد حضض که
ادویه که نفع است حرقوشیت گل سرخ شیرم باولیم تخ بو بیمادران بسباسه خلال
مکه خربزه تخم خربزه هندوانه رازیانه سک الملک نخود زرشک مغیلان اقحوان خزیل
حشیشه خرچیر جدوار زرنباد زنجبیل رمان حنید ثوم فلفل کر تخم کرکیا شیر الاغ
شیر انسان شیر شتر کرسنه کراث کرفس خطاف خیار زخوردن کاهو مر انیسون انجره
لسان الحمل روناس قرنفل دارچینی قرطم حب الصنوبر صغیر صبر درمنه اسطوخودوس
اسفنج ارار او درخت جز حقندر سورنجان سپند سداب برخس عاریقون
گل ستند شیطرج فلوس شاهتره اذخر ترمس کشوث ، ماء الشعیر خیار ادرشق اشترغاز
اسارون عود ثقاقل شاهتره ریحان فوت کنند چوب چینی اذخر اذربوی
هل ماميران هلیله زرد بهمن بهار خیار تخم فرنجمشک فستق زراوند
ادویه جالی   عسل بادام تلخ بادام تلخ خربزه تخم خربزه شکر سکنج خلک اقلیما حشیش

جدوار رمان ثوم فلفل تخم کرکریت شیر الاغ کرسنه خطاف بورق   انیسون
لسان الحمل دارچینی نارجیل کیلاس اسقیل اسطوخودوس سلق برخس برکانی غزال توت تیز
خطمی پوست تخم مرزه اشق شیطرج کنند اذربوی هل ماميران ، تخم کتم که مفاری دلمرات
عدس کز بکلی   ادویه منقی زنجار اهک انجره شیطرج زبیب الجبل برگ
شیطرج بید انجیر ماميران بلادر تیم باسی سفید   ادویه منوم تخم کاهو خشخاش
تخم شقایق اب برگ ریحان   ادویه مرطبه و شیر انسان شیر البقر ، ماء الشعیر
نوت اب لعاب اسپرزه کدو   ادویه تریاقی ودیبا فی ومعدنی حیوانی
اما نباتی جدوار زراوند زرنباد زنجبیل سکنج زوفرا ابرقلفل پوست بیخ کبر مر مکی
مخلصه فشتین انیسون مورد اذربوی حلتیث فلیوم اربسا نارجیل تخم ترنج نبات
وحب روغن ادتکار جوز هکران کالاجیرا حبطایا جوز بیاز پرسیاوشان دح
نجنکشت جدوه هلک دارچینی ... خیار زفت حب الرشاد تمر حکابری حاحی خرنیل
تمره درخت گز تمحشقون کذیب کراث مقل ازرق سپند ناخواه سداب لیتا
کنجد کبریت

کنجد کبریت تخم ترد کوهی زیره بری سیاه تخمه عنب کافوری بادارد دردنج عقربه
حب الغار فودنج ترتیث زرشک نفاد شلجم تریث فرطم بری بازرد و رازیانه
شیح ارمنی سیب انجیر کاهوی بری خیارتی حاریقون سفید تخم سامعوم   اما تریاق
معدنی طین مختوم طین ارمنی نقط سیاه مومیا بوره زرکری حجر باد زهر خاک
اما حی کدو کبریت   اما تریاق حیوانی پادزهر نس مشک بول مردم سی خراطین
تاخ کرکدن انفحه اندرزا خون تیس و کوزن مراره س و کوزن قفت ابل حرک
چشم ابل سلاحف لبنی تخم شهدانه حنید

بسم الله الرحمن الرحيم

قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولينا و

على الله فليتوكل المؤمنون

وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان يردك

بخير فلا راد لفضله يصيب به من يشاء من عباده

وهو الغفور الرحيم ... وما من دابة

في الارض الا على الله رزقها ويعلم مستقرها ومستو

دعها كل في كتاب مبين ... اني توكلت

على الله ربي وربكم ما من دابة الا هو اخذ بناصيتها ان

ربي على صراط مستقيم ... وكاين

من دابة

من دابة لا تحمل رزقها الله يرزقها واياكم

وهو السميع العليم ... ما يفتح الله

للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك

فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم

... ولئن سألتهم من خلق السموات والارض

ليقولن الله قل افرايتم ما تدعون من دون الله

ان ارادني الله بضر هل هن كاشفات ضره او اراد

ني برحمة هل هن ممسكات رحمته قل حسبي الله

عليه يتوكل المتوكلون

[illegible]

چنانچه ... [illegible]

هرگ را علیحده بسیار نرم بیده مخلوط بهم نموده ... بعد از آن

داخل آب نموده تقدر نیم ساعت بجوشانند بعد ... که بجوشد ...

دیگ گذارده با چوب بهم زنند که پارچه از آب بیرون نیاید ... پارچه مذکور

و تهیه در آب ... زلال شود ... خشک باشد و قبل از ... سفال باشد

روز در آب سرد ظرف

چنانچه

چنانچه شراب ... شود ... هر گاه ... پارچه

دیگر او بکوبت ... شود ... پارچه ... ابریشم ... که

تقدر ... پارچه کل کاشه اصفهان یا ... گرفته ابتدا کل را بکوبند

در ... جوش ... جاری ... شوند که مطلقا آب

زرد ... بماند بعد چهار پایه بر زمین نصب نموده و گل ... بسیار داده

تقدر ... یک وزن گل ... گل ... نموده ... بکل بپاشند

باد ... بماند که خوب ممزوج شود ... بعد ... بایل شود ... گل

بر روی چهار پایه که پارچه ... بسته باشند ریخته ظرف بزرگ سفال در زیر پارچه

چهار پارچه بگذارند و آب بگرم بر روی ... ریزند ... در ظرف سفالی جمع شود بعد

تندی ... نماید داخل آب ... گل ... بگذارند

صبح آن آب زلال ... بگیرند ... پارچه را در آب زلال بمالند بعد

دران شیره گل گلاب کنند و بگیرد در پارچه در آفتاب رنگ باشد و در این

روز سه چهار دفعه پارچه را در میان شیره گل دست بمالند بعد باب

سرد بشویند در سایه خشک نمایند و هرگاه خواهند که رنگ بزردی میل

داشته باشد رنگ زردی خواهند از گل گرفته ملتو پارچه را بان رنگ

زرد نمایند بعد بشیره گل رنگ کرده مایل بزردی می‌شود رنگش بسیار خوب

خواهد شد

تم المطالب

بعون الله تعالی و تقدس

تمام شد

۱۲۵۰

arrive